



پاسخ قرآن به ادعاهای مخالفان پیامبر/ معنای مجنون چیست

اهل مکه برخی از سوره‌ها و آیه‌های قرآن را به ادبیات آن کاهنان شبیه دیده و لذا پیامبر را کاهن یا شاعر و یا مجنون می‌نامیدند که قرآن کریم و زبان وحی، این تهمت را بارها و بارها از پیامبر دفع می‌کند.

اهل مکه برخی از سوره‌ها و آیه‌های قرآن را به ادبیات آن کاهنان شبیه دیده و لذا پیامبر را کاهن یا شاعر و یا مجنون می‌نامیدند که قرآن کریم و زبان وحی، این تهمت را بارها و بارها از پیامبر دفع می‌کند.

در قرآن کریم، بارها از مشرکان نقل شده است که به محمد، «مجنون» می‌گفتند. از جمله: طور، ۲۹. قلم، ۲ و ۵۱ و در آیات دیگری آمده که می‌گفتند: او دارای «جِئَة» است. از جمله: سبأ، ۸. مؤمنون ۲۵ و ۷۰. اعراف، ۱۸۴. مفسران و مترجمان تا آن‌جا که من دیده‌ام، مجنون را به معنای دیوانه گرفته‌اند و جِئَة را به معنی جنون یعنی دیوانگی. از جمله: مکارم، الهی قمشه‌ای، فولادوند، مجتبوی و پاینده.

به نظر من این ترجمه و تفسیر درست نیست، زیرا:

اولاً: هیچ یک از تاریخ‌ها، شخصیت پیامبر اسلام را به‌گونه‌ای توصیف نکرده‌اند که بتوان گفت که او دیوانه است، بلکه همگی او را حتی پیش از نزول وحی، به عنوان یک شخصیت خردمند و امین توصیف کرده‌اند. محمد چنان شخصیتی داشت که حتی در نوجوانی‌اش مردم مکه به او احترام می‌گذاشتند و او را امین می‌نامیدند. ماجرای حجرالاسود، گواه این اعتماد است و نیز ازدواج خدیجه با وی، نشان‌دهنده شخصیت مورد احترام این بزرگوار بود، وگرنه محمد (ص)، هیچ‌گونه جاه و مالی نداشت.

ثانیاً: دیوانه بودن هیچ ربطی به ادعای نبوت ندارد. کسی که ادعای پیامبری می‌کند، در حقیقت خود را در جایگاهی می‌بیند که بتواند مردم را رهبری کند. بدیهی است که رهبری مردم از یک دیوانه ساخته نیست و اصولاً کسی که از نظر شخصیتی ضعیف بوده و دارای عقل و تدبیر نباشد، هرگز حتی دست به ادعای نبوت نمی‌زند، مگر آن‌که این ادعا، حالت جدی نداشته باشد. بنابراین عنوان دیوانگی یک اشتباه است که از واژه مجنون و جِئَة، پدید آمده است. برای رفع این اشتباه باید به این نکته توجه داشت که در فرهنگ مردم مکه، عده‌ای ادعای غیب‌گویی داشتند و غیب‌گویی خود را به جنیان نسبت می‌دادند، یعنی می‌گفتند ما با یاری جنیان می‌توانیم غیب‌گویی کنیم. از سرشناس‌ترین آنان یکی «شق» بود و دیگری «سطیح». اینان در عرف مکه با سه عنوان معروف بودند: «کاهن» و «شاعر» و «مجنون». کاهن یعنی غیب‌گو و شاعر به معنی دانا و دارای شعور و مجنون یعنی مرتبط با جنیان یا جن زده، یعنی کسی که جن با او ارتباط برقرار می‌کند و با او سخن می‌گوید.

این کاهنان و مجنونان با نثر مسجع سخن می‌گفتند که در تاریخ ادبیات ما این سبک را «سجع کهان» می‌نامند. نثر آنان سه ویژگی داشت:

الف- نثرشان دارای سجع بود.

ب- دارای چند سوگند بود.

ج- به‌گونه‌ای حرف می‌زدند که انگار از غیب خبر می‌دهند.

اهل مکه برخی از سوره‌ها و آیه‌های قرآن را به ادبیات آن کاهنان شبیه دیده و لذا پیامبر را کاهن یا شاعر و یا مجنون می‌نامیدند که قرآن کریم و زبان وحی، این تهمت را بارها و بارها از پیامبر دفع می‌کند.

برای آگاهی بیشتر از این موضوع، مراجعه کنید به بحث مفصل این‌جانب در تفسیر روز، جلد ۵، تفسیر آیه‌های آخر سوره شعرا. البته این مطلب را به دانشنامه قرآن داده‌ام و در مجله‌های متعددی هم سال‌ها پیش چاپ شده است. از جمله: مجله شعر، مجله دانشگاه اصفهان و مجله دانشگاه تبریز.

والسلام

نویسنده: سید یحیی یثربی